



مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری  
سال دوم، شماره‌ی ۱، بهار ۱۳۹۲  
صفحات ۱۱-۲۸

## بررسی تأثیر گردشگری بر کاهش فقر در کشورهای منتخب در حال توسعه

\* محمود هوشمند

\*\* سید مهدی مصطفوی

\*\*\* محمد طاهر احمدی شادمهری

\*\*\*\* اکرم محقق

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۲۳

### چکیده

امروزه گردشگری به عنوان یکی از گسترده‌ترین فعالیت‌ها در بخش‌های فرهنگی، اقتصادی و ... به شمار می‌آید. توسعه‌ی صنعت توریسم برای کشورهایی که با معضلاتی چون نرخ بیکاری بالا و محدودیت منابع ارزی مواجه هستند، از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ بنابراین حداقل به منظور تنوع بخشیدن به عوامل رشد اقتصادی و درآمدهای ارزی و همچنین ایجاد فرصت‌های شغلی و در نتیجه کاهش فقر و بهبود سطح زندگی، توجه به صنعت گردشگری دارای اهمیت است. از آنجا که فقر یکی از معضلات اساسی کشورهای در حال توسعه است، در این بررسی ارتباط بین گردشگری و کاهش فقر در ۶ کشور منتخب در حال توسعه (منطقه‌ی آسیای جنوب غربی) و در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۷ در قالب یک مدل داده‌های تابلویی تحلیل گردیده است. نتایج تحقیق، حاکی از تأثیر درآمدهای گردشگری بر فقر در کشورهای مورد مطالعه است. به گونه‌ای که افزایش یک واحدی در این متغیر منجر به افزایشی به میزان ۰/۰۰۲ در شاخص فقر انسانی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** صنعت گردشگری، شاخص فقر انسانی، منطقه‌ی آسیای جنوب غربی، داده‌های تابلویی.

---

\*دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

\*\*استادیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

\*\*\*استادیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

\*\*\*\* نویسنده مسئول - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

(a.mohaghegh67@gmail.com)

## مقدمه

فقر پدیده‌ای است چندبعدی که به طرق مختلف بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد و اثرات ناشی از آن در مقایسه با سایر پدیده‌ها، طولانی‌تر و گسترده‌تر است. فقر به رشد انسانی لطمه وارد می‌کند، توسعه‌ی انسانی را محدود می‌سازد و مانع سرمایه‌گذاری انسانی لازم جهت دستیابی به رفاه خانواده می‌گردد. یکی از مهم‌ترین اهداف و آرزوهای بشری کاهش فقر است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه، با فقر شدید روبه‌رو هستند. حدود ۳ میلیارد از ساکنان جهان، با روزانه کمتر از ۱ دلار درآمد زندگی می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۱۳: ۱). در این تصویر غم‌انگیز به نظر می‌رسد که گردشگری یکی از نقطه‌های روشن به شمار می‌رود. توسعه‌ی گردشگری در تمامی عرصه‌ها، چه در سطح ملی و منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی، مورد توجه برنامه‌ریزان دولتی و شرکت‌های خصوصی قرار گرفته است. بسیاری از کشورها به طور فزاینده‌ای به این حقیقت پی بردند که برای بهبود وضعیت اقتصادی خود باید ابتکار عمل به خرج دهند و درصدد یافتن راه‌های تازه‌ای برآیند. از ۷۸ کشور با درآمد پایین (کشورهایی که تولید ناخالص داخلی سرانه آن‌ها کمتر از ۷۶۰ دلار آمریکا است)، ۵۶ کشور سند شگرد کاهش فقر را طراحی کردند. از این گروه ۴۵ کشور (حدود ۸۰ درصد آن‌ها)، گردشگری را به عنوان یک کاتالیزور اصلی برای کاهش فقر شناسایی کردند. تحقیقات مختلفی نشان می‌دهد که گردشگری به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر فقر حائز اهمیت است (گارتنر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸؛ لیوونگا و شیتوندو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳).

در سال‌های اخیر، تعدادی از مطالعات داخلی موجود، تأثیر گردشگری بر اشتغال، رشد اقتصادی و... را مورد توجه قرار داده‌اند و معمولاً پژوهش‌های انجام شده به جنبه‌ی تأثیر گردشگری بر فقر کمتری داشته‌اند و مطالعات در این زمینه به صورت میدانی است؛ بنابراین این پژوهش تأثیر گردشگری بر کاهش فقر در کشورهای منتخب منطقه‌ی آسیای جنوب غربی را به روش الگوهای تابلویی بررسی می‌کند و انتظار بر این است که نتایج حاصل از آن مورد استفاده‌ی برنامه‌ریزان اقتصادی کشورها قرار گیرد. ادامه‌ی مقاله به صورت زیر سازماندهی می‌شود. بخش اول شامل مطالعات صورت گرفته مرتبط با موضوع تحقیق است. در بخش دوم، به مبانی نظری الگو می‌پردازیم. در قسمت سوم مقاله، روش تحقیق، معرفی متغیرها، تعیین مدل تحقیق و برآورد مدل ارائه شده است و در انتها نتیجه‌گیری انجام شده است.

1-Gartner

2-Luvanga and Shitundu

## پیشینه‌ی تحقیق

### مطالعات خارجی

لیوونگا و شیتوندو<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) مطالعه‌ای برای تانزانیا انجام داده‌اند. در این مطالعه بیان شده است که گردشگری بر معیشت فقرا تأثیرگذار است و چنانچه اثرات مثبت آن به درستی مهار شود و مورد توجه قرار گیرد، منجر به کاهش فقر می‌شود. این مطالعه اثرات اقتصادی گردشگری و اثر آن بر کاهش فقر تانزانیا را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است و در پی پاسخ به سؤالاتی مانند سؤالات زیر است: چه سهمی از بخش گردشگری در تانزانیا سبب ایجاد اشتغال، درآمد ارزی و درآمد عمومی می‌شود؟ گردشگری چه اثراتی بر روی درآمد افراد فقیر و سایر ذی‌نفعان محلی دارد؟ چه ارتباطی بین گردشگری و بخش‌های دیگر اقتصادی که برای کاهش فقر مهم هستند، وجود دارد؟ چه موانعی بر سر راه فرصت‌های اقتصادی ایجاد شده توسط توریسم وجود دارد؟ روش کار به صورت میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه صورت گرفته است.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «گردشگری، توسعه و کاهش فقر» (مطالعه موردی خلیج انکاتا مالای) «در سال ۲۰۰۸، که توسط گارتنر<sup>۲</sup> در دانشگاه واترلو کانادا صورت گرفته است. منطقه‌ی مورد مطالعه در این تحقیق، خلیج انکاتا<sup>۳</sup> در کشور مالای است. این کشور گردشگری را به عنوان یک استراتژی برای کاهش فقر در این منطقه قلمداد کرده است. این مطالعه به بررسی تأثیر گردشگری بر کاهش فقر از طریق مقایسه و بررسی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه‌ی انسانی بین شاغلان بخش گردشگری و غیر گردشگری می‌پردازد. در ادامه تأثیر کارایی به وسیله‌ی گردشگری بر وضعیت فقر را تجزیه و تحلیل می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شاغلان بخش گردشگری، از نظر مراقبت‌های بهداشتی، خود اشتغالی، شرایط کاری و مالی از وضعیت بهتری نسبت به شاغلان بخش‌های غیر گردشگری برخوردار بوده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که صنعت گردشگری در این منطقه توانسته است شاخص‌های اقتصادی توسعه‌ی انسانی را بهبود بخشد و انتخاب گردشگری به عنوان یک استراتژی برای کاهش فقر، موفق عمل کرده است و در پایان بر اساس نتایج به دست آمده، به ارائه‌ی راه‌های مشارکت گردشگری در جهت کاهش فقر می‌پردازد.

رو<sup>۴</sup> در مطالعه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا بین گردشگری و کاهش فقر ارتباط قوی وجود دارد؟ در این مطالعه هجده ایالت هند که در حدود ۵۰ درصد از ایالت‌های

---

1-Luvanga and Shitundu

2-Gartner

3-Nkhata Bay

4-Roy

هند را پوشش می‌دهد مورد توجه قرار گرفته است و از رگرسیون چند جانبه برای بررسی رابطه بین گردشگری، درآمد سرانه و کاهش فقر استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که در هند برخلاف بعضی از مطالعات در کشورهای در حال توسعه، گردشگری نمی‌تواند مشکل فقر را حل کند. علت این امر ممکن است به خاطر این باشد که شاید فقر روستایی بسیار حادث‌تر از فقر شهری است و رشد گردشگری معمولاً در مناطق شهری صورت می‌گیرد. بنابراین مزایای گردشگری به مردم ساکن شهرها تعلق می‌گیرد و نه به خانواده‌های فقیر. در انتها بیان کرده است که دولت باید سیاستی برای توسعه‌ی گردشگری در پیش بگیرد که منافع حاصله حامی فقرا باشد.

### مطالعات داخلی

هدف از تحقیق صورت گرفته‌ی کرمانی و امیریان (۱۳۷۹)، محاسبه اثرات اقتصادی گردشگری در جمهوری اسلامی ایران است. برای این منظور از روش تحلیل داده- ستانده استفاده شده است. در این روش، اثر مخارج گردشگران خارجی بر تولید، درآمد، اشتغال، عواید دولت، توزیع درآمد و واردات محاسبه می‌گردد. نتایج نشان می‌دهد که فعالیت‌های هتل داری و رستوران، صنایع غذایی، صنایع پوشاک و چرم، صنایع دستی و صنعت حمل و نقل داخلی بیشترین تأثیر را پذیرفته و بیشترین سهم از تولید، درآمد و اشتغال ایجاد شده در اثر مخارج توریست‌های خارجی را به خود اختصاص می‌دهند. به علاوه، محاسبات نشان می‌دهد که توسعه‌ی توریسم در ایران باعث بهبود توزیع درآمد نیز خواهد شد. همچنین ضرایب فزاینده تولید، درآمد و اشتغال مربوط به بخش‌های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد که بخش گردشگری در ایران در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی از لحاظ ایجاد تولید، درآمد و اشتغال از اهمیت بالایی برخوردار است.

صادقی جقه (۱۳۸۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی رابطه‌ی میان گسترش پدیده‌ی گردشگری و کاهش فقر (مطالعه‌ی مقایسه‌ای در شهرهای هریس و کلیبر آذربایجان شرقی در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴)»، با بررسی مقایسه‌ای وضعیت تغییر شاخص‌های اقتصادی خانوارهای کلیبر و هریس در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴، تأثیر رونق گردشگری در کاهش فقر درآمدی خانوارهای کلیبری را مشخص کرده است. این پژوهش به روش پیمایشی و با بهره‌گیری از تحلیل ثانویه داده‌ها انجام شده است. طبق نتایج تحقیق، در دوره‌ی زمانی مورد مطالعه، درآمد ماهیانه‌ی خانوارهای کلیبری بیش از درآمد ماهانه‌ی خانوارهای هریس افزایش یافته است، یعنی گردشگری با افزایش درآمدهای خانوارها، در کاهش فقر درآمدی آنان مؤثر بوده است. همچنین در کلیبر رضایت از زندگی، بیش از هریس افزایش یافته است. تغییرات نیز در الگوی مصرفی خانوارهای کلیبری مشاهده شد.

زندگی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای، تأثیر اشتغال بر کاهش فقر در دو بخش خدمات گردشگری و بیمارستانی را مورد بررسی قرار داده است. هدف از این پایان نامه مقایسه ابعاد مختلف توسعه‌ی انسانی بین شاغلان بخش گردشگری و غیر گردشگری در شهر تهران به منظور بررسی تأثیر اشتغال در گردشگری بر کاهش فقر قابلیت‌ی و ارائه‌ی پیشنهادهایی جهت بهبود ابعاد مختلف توسعه‌ی انسانی و در نتیجه، کاهش فقر قابلیت‌ی است. در بعد نظری به منظور رسیدن به اهداف پژوهش، از دیدگاه اینگلهارت و همکارانش در خصوص ابعاد و شاخص‌های توسعه‌ی انسانی استفاده شده است. این پژوهش به صورت پیمایشی و با ابزار پرسشنامه در بین شاغلان بخش‌های خدماتی مشابه، هتل و بیمارستان، در سال ۱۳۸۸ انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شاغلان بخش‌های خدماتی هتل در ابعاد توسعه‌ی انسانی مورد بررسی، که نشان دهنده‌ی وضعیت فقر قابلیت‌ی است، نسبت به شاغلان بخش‌های خدماتی مشابه در بیمارستان از امتیاز بیشتری برخوردار هستند و در نتیجه از نظر وضعیت فقر قابلیت‌ی در وضعیت بهتری به سر می‌برند؛ به عبارت دیگر می‌توان چنین ادعا کرد که اشتغال در بخش گردشگری، موجب بهبود شاخص‌های توسعه‌ی انسانی و در نتیجه کاهش فقر قابلیت‌ی می‌گردد.

### مبانی نظری

#### گردشگری و کاهش فقر

با توجه به رشد و اهمیت اقتصادی گردشگری می‌توان این صنعت را ابزاری مناسب برای توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی مقصدها شمرد. رایج‌ترین دلیل توسعه‌ی گردشگری - به ویژه در کشورهای در حال توسعه - نیز همین است. در بسیاری از کشورها این حوزه بخش مهمی از راهبردهای توسعه‌ی ملی محسوب می‌شود و همچنین به عنوان یک بخش عمده‌ی اقتصادی، منبع مهمی برای اشتغال، درآمد و ارزآوری است (شارپلی و تلفر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸: ۱۵).

مشخص شده که استراتژی توسعه‌ی گردشگری در گشایش و ایجاد فرصت‌هایی برای آسیب‌پذیرترین گروه در صنعت توریسم مؤثر است. به تازگی بعضی از سازمان‌های بین‌المللی گردشگری را به عنوان موتور توسعه‌ی اقتصادی برای کمک به کشورهای فقیر در کاهش فقر شناسایی کردند (کروز و وانگاس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸: ۹۵). گردشگری صادرات اصلی در یک سوم در حال توسعه است و همچنین این صنعت در بین ۴۹ کشور منبع اولیه برای درآمد ارزی خارجی است. این موضوع نشان می‌دهد که کشورهای فقیر می‌توانند مزایا و منافع مهمی از گردشگری بین‌المللی در سطح کلان بدست آورند. در این مفهوم، توسعه‌ی صنعت گردشگری

---

1-Sharpely and Telfer

2-Crose and Vanegas

با افزایش سریع در درآمدهای ارزی خارجی، ایجاد اشتغال، تولید درآمد، افزایش پایه مالیاتی و افزایش رفاه همراه است. مطالعات انجام شده توسط پیچ<sup>۱</sup>(۱۹۹۹)، تاهامی و سوینکو<sup>۲</sup>(۲۰۰۰)، سوگیارتو و سینکلر<sup>۳</sup>(۲۰۰۲)، استینر<sup>۴</sup>(۲۰۰۶) و برایو، لانز و پیگلیریو<sup>۵</sup>(۲۰۰۷)، نشان می‌دهد که گردشگری یک عامل تعیین کننده برای رشد است؛ همچنین نیروی انسانی بیشتری نسبت به دیگر بخش‌های غیر کشاورزی و نسبت بالایی از زنان و کارگران نیمه‌ماهر را به کار می‌گیرد. یافته‌های آن‌ها حمایت می‌کند از این ادعا که مشاغل گردشگری می‌تواند فقرا را در کشورهای در حال توسعه مورد هدف قرار دهد.

### گردشگری حامی فقرا<sup>۶</sup>

طبق نظر هریسون و اسکینیانی از دهه ۱۹۷۰ گردشگری ابزاری برای توسعه بوده است و نقش آن در کاهش فقر از اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفت و از آن زمان گردشگری حامی فقرا به سرعت به روشی شناخته شده و ارزشمند در جهت کاهش فقر تبدیل شد(ویرینگ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸: ۶۲). گردشگری به دلیل برخورداری از پتانسیل ایجاد اشتغال، کمک به ایجاد تعادل در دستمزدها، تهیه‌ی سرمایه برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی، کمک به خلق پیوندهای ارتباطی در درون بخش‌های اقتصادی و ایجاد تأثیرات فزاینده، مورد پذیرش واقع شده است و بدینوسیله می‌تواند تأثیر بسزایی در بهبود اقتصاد کشورهای کمتر توسعه یافته داشته باشد.

گردشگری حامی فقرا، روش و دیدگاهی نسبتاً جدید در توسعه‌ی گردشگری است که به منظور افزایش دریافت سود خالص توسط قشر فقیر از گردشگری و اطمینان از اینکه رشد گردشگری به کاهش فقر کمک می‌کند، طراحی شده است(اشلی و همکاران، ۲۰۰۱: ۲). این نوع گردشگری، در پی فراهم کردن مزایایی ویژه برای فقرا است که ممکن است اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی یا فرهنگی باشد. اهداف این نوع گردشگری از افزایش اشتغال محلی گرفته تا مشارکت فعال مردم محلی در فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌های توسعه را شامل می‌شود و تا زمانی که فقرا مزایایی از گردشگری بدست می‌آورند می‌توان آن را «گردشگری حامی فقرا» نامید حتی اگر سهم افراد متمول بیشتر از فقرا باشد(صادقی جقه، ۱۳۸۵: ۸۳).

1-Page

2-Tohamy and Swinscoe

3-Sugiyarto and Sinclair

4-Steiner

5-Brau, Lanza and Pigliaru

6-Pro-poor Tourism

7-Wearing

کاکوانی و پرنیا آن را پروژه‌های تعریف می‌کنند که فقرا را قادر می‌سازد تا به گونه‌ای فعال در فعالیت‌های اقتصادی شرکت کرده و از آن منتفع گردند (ویرینگ، ۲۰۰۸: ۵۸).

### مزایا و معایب گردشگری حامی فقرا

مشابه با دیگر بخش‌های صنعتی، رشد اقتصادی حاصل از توسعه‌ی گردشگری نیز دارای مزایا و معایبی برای مناطق فقیر است از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

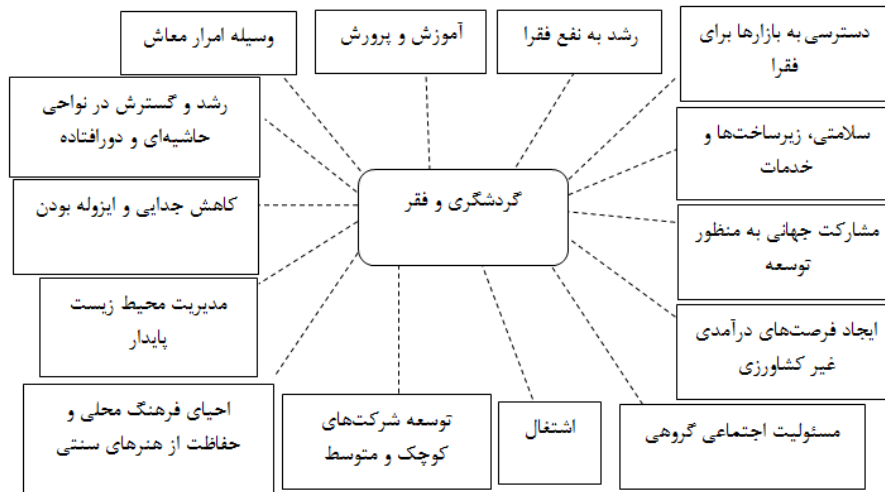
#### الف- مزایا

گردشگری فرصت‌های شغلی مناسبی را ایجاد می‌کند. فرصت‌های شغلی ایجاد شده توسط بخش گردشگری بیشتر از بخش غیر کشاورزی و صنعتی و کمتر از بخش کشاورزی است (رو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۱۳)، (هلند<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲: ۴۶). توسعه‌ی گردشگری می‌تواند موجب افزایش و یا ایجاد امنیت در منطقه گردد (باقری، ۱۳۸۳). عایدات گردشگری می‌تواند در جهت اجرای برنامه‌هایی به منظور کاهش فقر مورد استفاده قرار گیرد (بلیک و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸: ۱۰۹). بهبود بهداشت استانداردهای زندگی و دسترسی به خدمات همچون مدرسه، بهداشت، امنیت، زیر ساخت‌ها (رو و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۴).

#### ب- معایب

در مقابل هزینه‌های گردشگری، مانند آسیب به حیات وحش، کاهش دسترسی به منابع طبیعی و... مردم فقیر آسیب‌پذیرترند (میچل و اشلی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰: ۶). اگرچه گردشگری فرصت‌های اشتغال بسیاری را ایجاد می‌کند اما در بسیاری از موارد تعداد کمی از مشاغل نصیب مردم محلی می‌گردد (بلیک و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸: ۱۱۰). نشت درآمد های گردشگری از طریق پرداخت به کارگران و تجار خارجی و یا از طریق اختصاص دارایی‌ها به منظور واردات. توسعه‌ی گردشگری در صورت عدم برنامه ریزی مناسب می‌تواند منجر به بروز مشکلات فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی شود (هلند، ۲۰۰۲: ۴۵).  
شکل شماره‌ی (۱)، ارتباط بین گردشگری و فقر را به خوبی نشان می‌دهد.

- 
- 1-Roe And et al
  - 2-Holland
  - 3-Blake And et al
  - 4-Mitchell And Ashley
  - 5-Blake And et al



شکل (۱): ارتباط بین گردشگری و فقر

منبع: زندی و نعمتی (۱۳۸۷: ۲۵۳)

## مدل تحقیق

### روش تحقیق، معرفی متغیرها و تعیین مدل

با توجه به اینکه در این زمینه اطلاعات و داده‌های آماری بسیار محدود وجود دارد (داده‌های شاخص فقر انسانی تنها در بازه ۲۰۰۹-۱۹۹۷ موجود بود)، لذا تحلیل این موضوع به روش سری زمانی تقریباً امکان پذیر نیست. برای رفع این مسأله تحلیل داده‌های پانل معرفی شده است که در این مقاله نیز از این روش استفاده می‌شود. از طرف دیگر، مقوله فقر بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه‌ی ناهمگون بوده و بررسی آن به صورت یکجا بین همه کشورها منطقی به نظر نمی‌رسد و همچنین صنعت گردشگری در بین کشورهای در حال توسعه، امروزه مورد توجه خاص قرار گرفته است. از دیدگاه گردشگری، کشورهای کمتر توسعه یافته به عنوان مقصدها، اهمیت بسیار زیادی دارند. مسافرت به (و در داخل) جهان در حال توسعه با آهنگ سریعی در حال رشد کردن است به طوری که از نرخ رشد گردشگری در کشورهای توسعه یافته بیشتر است (دالن جی و جیان پی، ۱۳۸۹: ۱۸). از این رو فقط کشورهای در حال توسعه برای این تحلیل انتخاب شده‌اند که در این میان نیز با توجه به



اطلاعات و داده‌های آماری موجود در منطقه‌ی آسیای جنوب غربی، شش کشور<sup>۱</sup> را در دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۷، به صورت پانل در نظر گرفتیم و مدل تخمین زده می‌شود. داده‌های مورد استفاده از سایت بانک جهانی و گزارش‌های توسعه‌ی انسانی سازمان ملل<sup>۲</sup> استخراج شده است. مهم‌ترین سؤال در این تحقیق آن است که آیا درآمدهای گردشگری می‌تواند بر کاهش فقر مؤثر باشد؟ در کنار متغیر درآمدهای گردشگری بین‌الملل، متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه و هزینه‌های بهداشت و درمان سرانه به عنوان متغیرهای کنترلی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین مدل مورد نظر به صورت زیر است:

$$HPI_{it} = \alpha_{it} + \beta_1 TOU_{it} + \beta_2 GDP_{it} + \beta_3 HEA_{it} + U_{it}$$

در این مدل شاخص فقر انسانی و درآمدهای گردشگری بین‌المللی متغیرهای اصلی مدل هستند که به صورت زیر تعریف می‌گردند:

شاخص فقر انسانی<sup>۳</sup>: بیانگر شاخص فقر انسانی است. این شاخص، شاخصی ترکیبی است که بر پایه‌ی میزان محرومیت افراد جامعه در سه زمینه‌ی اساسی زندگی انسانی - تعیین طول عمر، دانش و آگاهی و سطح زندگی قابل قبول - بنا شده است. با توجه به مبانی نظری، گردشگری می‌تواند این امکان را ایجاد کند تا فقرا قابلیت‌ها و توانایی‌های خود را افزایش دهند. طبق بررسی مطالعات انجام شده در زمینه‌ی موضوع تحقیق مشخص گردید که بهترین شاخصی که می‌توان برای فقر؛ زمانی که فقر قابلیت‌ها مطرح است؛ مدنظر قرار داد، شاخص فقر انسانی است. علاوه بر مزیت فوق و هم‌خوانی این شاخص با مبانی نظری، با توجه به اینکه این شاخص تصویر کامل‌تری از فقر ارائه می‌دهد، گزارش توسعه‌ی انسانی سازمان ملل در سال‌های اخیر این قبیل شاخص‌ها را معیار مناسب‌تری برای فقر می‌شناسد. همچنین با توجه به اینکه این شاخص برای تعداد بیشتری از کشورهای طی دوره‌ی زمانی مورد نظر در دسترس است، مورد توجه قرار گرفته است.

درآمدهای گردشگری بین‌المللی<sup>۴</sup>: بیانگر درآمدهای گردشگری بین‌الملل است و شامل هر گونه پرداخت و هزینه‌هایی است که گردشگران بین‌المللی برای کالاها و خدمات مورد استفاده در کشور مقصد متحمل می‌شوند. برای توسعه‌ی گردشگری از دو شاخص تعداد گردشگران بین‌المللی و درآمدهای گردشگری بین‌الملل استفاده می‌شود. در این پژوهش سعی شده است از شاخصی که مورد استفاده‌ی بیشتر مطالعات تجربی بوده است، استفاده شود.

1-Egypt, Iran, Jordan, Lebanon, Syria, Oman

2-United Nations Development Program

3-Human poverty Index

4-International Tourism receipts

متغیرهای کنترلی مورد استفاده در این معادله تولید ناخالص ملی و سرانه هزینه‌های سلامت است.

تولید ناخالص داخلی<sup>۱</sup> تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید است. از متغیرهای بسیار مهم و تأثیرگذار بر فقر چه در کوتاه مدت و چه در بلند مدت تولید ناخالص داخلی است. مطالعات متعدد بر رابطه قوی رشد و کاهش فقر تأکید داشته‌اند. ریزشی بودن رشد از غنی به فقیر دیدگاه غالب دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بوده است. بر اساس این دیدگاه، منافع رشد ابتدا متوجه افراد غنی می‌گردد و سپس افراد فقیر از آن منتفع می‌شوند. به عبارت دیگر، افراد فقیر به طور غیر مستقیم از طریق جریان عمودی غنی به فقیر از منافع رشد بهره‌مند می‌گردند. همچنین این امکان وجود دارد که رشد اقتصادی، فقر را افزایش دهد و این وقتی است که نابرابری به اندازه‌ای شدید باشد که اثر مثبت رشد نتواند اثر معکوس افزایش نابرابری را جبران کند. به عبارت دیگر، رشد تشدید کننده فقر است (بهاگواتی<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸).

سرانه هزینه‌های سلامت<sup>۳</sup> بیانگر هزینه‌های بهداشت و درمان سرانه است. با توجه به تعریفی که از شاخص فقر انسانی در فصل اول ارائه گردید، در می‌یابیم که بهبود امکانات بهداشتی یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر شاخص فقر انسانی است.

### برآورد مدل

برای بررسی اینکه آیا می‌توان به جای برآورد تک تک معادلات، از یک معادله استفاده کرد یا خیر؟ آزمون روی-زلنر با استفاده از نرم‌افزار Stata.11 محاسبه گردید، این آزمون دارای توزیع  $\chi^2$  با ۴ درجه آزادی است. فرض صفر در این آزمون آن است که  $\beta = \beta$  با فرض این که  $\varepsilon_{it} = \mu_i + \tau$  و  $\mu_i \sim N(0, \delta_i^2)$  و  $U_{it} \sim N(0, \delta_i^2)$  باشد. در این روش چنانچه عدد بدست آمده از آزمون روی-زلنر، بزرگ‌تر از  $\chi^2$  جدول باشد (و یا مقدار احتمال این آماره کمتر از ۰/۰۵ باشد) فرض صفر مبنی بر برابری شیب‌ها رد شده و روش برآورد داده‌های ترکیبی برای مدل مناسب نمی‌باشد. البته با رد فرض صفر نمی‌توان گفت که داده‌ها را نمی‌توان به شکل ترکیبی به کار برد زیرا آماره این آزمون فقط با توجه به واحدهای مقطعی سنجیده شده و دوره زمانی را نادیده می‌گیرد. در صورتی که شاید با در نظر گرفتن دوره زمانی نتوان فرض صفر را رد نمود (بالتاجی، ۲۰۰۸: ۴).

1-GDP

2-Bhagwati

3-Health expenditure percapita

در این پژوهش برای انتخاب میان دو الگوی اثرات ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن<sup>۱</sup> استفاده می‌شود. فرض صفر در آزمون هاسمن عدم همبستگی میان اجزاء اخلاص غیرقابل مشاهده در مدل و متغیرهای توضیحی است. در این آزمون وجود اثرات تصادفی در مقابل اثرات ثابت مقایسه می‌شود. بنابراین در صورت رد فرض صفر مناسب‌ترین روش جهت تخمین مدل روش اثرات ثابت است ولی چنانچه این فرض تأیید شود روش اثرات تصادفی به عنوان روش مناسب تشخیص داده خواهد شد. آماره این آزمون دارای توزیع  $\chi^2$  با درجه آزادی K است (بالتاجی، ۲۰۰۸).

برای تشخیص اینکه اثرات به دست آمده از داده‌های تابلویی از نوع فرد، زمان و یا هر دو است، از آزمون‌هایی نظیر بروش-پاگان<sup>۲</sup> و F-ANOVA می‌توان استفاده نمود. آزمون بروش-پاگان بر اساس الگوی آثار تصادفی تعیین شده و فرض صفر در این آزمون، روش داده‌های ترکیبی ( $\delta^2_{\mu} = \delta^2_{\lambda} = 0$ ) می‌باشد. به عبارتی در این آزمون تنها روش داده‌های ترکیبی در مقابل روش داده‌های تابلویی سنجیده می‌شود؛ اما آزمون F-ANOVA بر اساس الگوی آثار ثابت بوده و علاوه بر مقایسه روش داده‌های ترکیبی با روش داده‌های تابلویی، انواع روش-های تابلویی را نیز با یکدیگر مقایسه می‌کند. (بالتاجی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). بنابراین معیار مورد استفاده در این مطالعه آزمون F-ANOVA می‌باشد. در این آزمون مشخص می‌گردد که آیا مدل داده‌های تابلویی یک‌طرفه است یا دو طرفه؟ و اگر یک طرفه است از نوع فرد است یا زمان؟ پنج فرضیه در این آزمون قابل بررسی است. که به ترتیب به معرفی آن‌ها می‌پردازیم.

- فرضیه صفر: لزوم استفاده از الگوی داده‌های ترکیبی و فرض یک لزوم استفاده از الگوی داده‌های تابلویی یک جانبه فرد
- فرضیه صفر: لزوم استفاده از الگوی داده‌های ترکیبی و فرض یک لزوم استفاده از الگوی داده‌های تابلویی یک جانبه زمان
- فرضیه صفر: الگوی داده‌های ترکیبی و فرض یک الگوی داده‌های تابلویی دو جانبه فرد و زمان
- فرضیه صفر: الگوی داده‌های تابلویی یک جانبه زمان و فرضیه یک الگوی داده‌های تابلویی دو جانبه فرد و زمان
- فرضیه صفر: الگوی داده‌های تابلویی یک جانبه فرد و فرض یک الگوی داده‌های تابلویی دو جانبه فرد و زمان

---

1-Hausman test  
2- Breusch-Pagan  
3 -Baltag

بر این اساس نتایج حاصل از آزمون‌های عنوان شده که با کمک نرم‌افزار Stata11 محاسبه گردیده در جدول شماره‌ی یک قابل مشاهده است. نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل مورد نظر نشان دهنده رد فرضیه صفر مبنی بر وجود آثار تصادفی است. بنابراین الگو باید به روش آثار ثابت برآورد گردد. نتایج حاصل از آزمون F-ANOVA نشان می‌دهد بهترین الگو به منظور برآورد مدل، الگوی یک جانبه زمانی می‌باشد.

لذا با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های هاسمن و آزمون F-ANOVA، استفاده از روش آثار ثابت یک طرفه از نوع زمان مناسب به نظر می‌رسد. نتایج حاصل از برآورد مدل به صورت جدول شماره‌ی دو است.

جدول (۱): آزمون‌های انجام شده برای انتخاب الگوی مناسب

P-value	مقدار آماره	آزمون‌ها	
۰/۰۰۰۰	۵۵۵/۶۸	آزمون ترکیب پذیری	
۰/۰۰۰۰	۴۰/۱۹	آزمون هاسمن	
۰/۰۰۰۰	۱۲۲/۵۷	$H_0^a$	آزمون F-ANOVA
۰/۰۰۰۱	۴۰/۸۹	$H_0^b$	
۰/۰۰۰۰	۱۳۸/۷۸	$H_0^c$	
۰/۱۸۲۱	۱۶/۲۰	$H_0^d$	
۰/۰۰۰۰	۹۷/۸۸	$H_0^e$	

منبع: محاسبات تحقیق

جدول (۲): نتایج برآورد مدل برای کشورهای منتخب

احتمال	آماره t	ضریب	نام متغیر
۰/۰۰۰۰	۵/۷۱	۰/۰۰۱	TOU
۰/۰۰۰۰	۸/۷۹	۰/۰۰۱	GDP
۰/۰۰۰۰	-۷/۹۲	-۰/۰۳	HEA
۰/۰۰۰۰	۷/۸۶	۱۳/۲۶	عرض از مبدأ
۰/۶۰			ضریب تعیین تعدیل شده
۸/۱۵			آماره F

منبع: محاسبات محقق

### نتیجه گیری و ارائه‌ی پیشنهادات

مقدار  $R^2$  تعدیل شده حاکی از خوبی برازش الگو می‌باشد. بنابراین در این مدل با توجه به این آماره قدرت توضیح‌دهندگی مدل ۶۰ درصد است. آماره  $t$  و سطح احتمال آن در سطح معنی داری ۵ درصد نشان می‌دهد که تمامی ضرایب در این سطح از لحاظ آماری معنی دار هستند.

در کشورهای مورد مطالعه ارتباط مثبت و معنی‌داری بین درآمدهای گردشگری و فقر وجود دارد، که این بیانگر آن است که با افزایش درآمدهای گردشگری بین‌الملل، فقر انسانی به میزان اندکی افزایش می‌یابد. پتانسیل اقتصادی صنعت گردشگری و کمکی که این صنعت می‌تواند به افزایش درآمدهای ارزی، رشد اقتصادی، افزایش اشتغال و... داشته باشد، در اکثر کشورها شناخته شده است و کشورهای مختلف سعی در دستیابی به تأثیرات مثبت این صنعت رو به رشد در عرصه‌های مختلف از جمله در زمینه اقتصادی، می‌باشند. توجه به این صنعت به تازگی شکل گرفته است و احتمالاً در کشورهای مورد مطالعه که کشورهایی در حال توسعه می‌باشند، هنوز برنامه‌های لازم جهت استفاده از درآمدهای ایجاد شده این صنعت، در بهبود وضعیت فقرا صورت نگرفته است و درآمدهای حاصل از این صنعت بیشتر به نفع افراد ثروتمند جامعه بوده است. علامت ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه مثبت و معنی دار است و نشان می‌دهد که افزایش تولید کشورها باعث افزایش شاخص فقر انسانی گردیده است اما با توجه به کوچک بودن این ضریب تأثیر آن بسیار اندک است. لذا با توجه به این نتیجه می‌توان به این نکته رسید که در این کشورها نابرابری به اندازه‌ای شدید است که اثر مثبت رشد قادر نبوده است اثر نابرابری را جبران کند. به عبارت دیگر، رشد در کشورهای مورد مطالعه تشدید کننده فقر است. همچنین نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد رابطه منفی و معناداری بین هزینه‌های بهداشت و درمان سرانه و شاخص فقر انسانی وجود دارد. این نتیجه با چارچوب نظری سازگار است.

همان‌طور که از نتایج تحقیق به دست آمد، در کشورهای مورد مطالعه، صنعت توریسم موجب کاهش فقر نمی‌شود که این امر ممکن است ناشی از عدم برنامه‌های لازم جهت در اختیار گرفتن قشر فقیر در این صنعت و عدم توجه به منافع که این صنعت پر بازده می‌تواند برای جامعه به ارمغان آورد، باشد. باور این صنعت به عنوان سومین صنعت درآمدزای دنیا و صنعت اشتغال زا و پویا، یک عزم ملی در جهت رشد آن است که می‌تواند نتیجه بخش باشد. دولت از طریق فعالیت‌های دیپلماسی و معافیت‌های اقتصادی، بخش خصوصی با رعایت اصل مشتری مداری و رضایت گردشگران خارجی و مردم با رعایت اصل مهمان نوازی می‌توانند افزایش سالیانه سهم کشورشان را از این صنعت به ارمغان آورند. با توجه به اینکه کشورهای در حال توسعه معمولاً فرصت درخشش و حضور کمتری در زمینه‌های دیگر اقتصاد جهانی دارند،

توجه و سرمایه گذاری‌های مناسب و برنامه ریزی شده در صنعت گردشگری در این کشورها می‌تواند آن‌ها را به جایگاه مناسبی برساند زیرا برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، گردشگری یکی از مهم‌ترین منابع درآمد ارزی و اولین قلم از اقلام صادراتی آن‌هاست و همچنین نیازهای شغلی و فرصت‌هایی برای توسعه در این کشورها ایجاد می‌کند.

## منابع

- ۱) باقری، علی (۱۳۸۳). محاسبه خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۲، تهران، پژوهشکده آمار.
- ۲) دالن جی، تیموئی؛ جیان پی، نیوپان (۱۳۸۹). میراث فرهنگی و گردشگری در کشورهای در حال توسعه، ترجمه اکبر پور فرج و جعفر بابیری. چاپ اول. تهران: مهکامه.
- ۳) زندی، ابتهال (۱۳۸۹). تأثیر اشتغال بر کاهش فقر در دو بخش خدمات گردشگری و بیمارستانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ۴) صادقی جقه، سعید (۱۳۸۵). بررسی رابطه میان گسترش پدیده گردشگری و کاهش فقر (مطالعه مقایسه‌ای در شهرهای هریس و کلیبر آذربایجان شرقی در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ۵) صباغ کرمانی، مجید و امیریان، سعید (۱۳۷۹). بررسی اثرات اقتصادی توریسم در جمهوری اسلامی ایران (با استفاده از تحلیل داده- ستانده). پژوهش‌های بازرگانی، ۸۳-۵۷.
- ۶) طیبی، سیدکمال، جبّاری، امیر و بابکی، روح اله (۱۳۸۷). بررسی رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی (مطالعه موردی ایران، کشورهای OECD به علاوه کشورهای منتخب). مجله دانش و توسعه، سال ۱۵، ۲۴، ۸۷-۶۵.
- ۷) عباس زاده، نصرت و الهی، سعید (۱۳۸۶). نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در کاهش فقر. فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ۹، ۱۱۲-۱۴۲.
- ۸) محمودی، وحید و صمیمی فر، سید قاسم (۱۳۸۴). فقر قابلیت‌ی رفاه اجتماعی، ۴، ۲۷-۵.
- 9) Ashley, C.; Goodwin, H and Roe, D. (2001). Pro-poor tourism strategies, expanding opportunities for the poor. Pro-poor tourism briefing. **Working Paper**, No1.
- 10) Baltagi, B. H. (2008). **Econometric analysis of panel data**, Forth edition, John Wiley & Sons.
- 11) Blake, A; Arbache, J.S; Sinclair, M; Thea. Teles, V. (2008). Tourism and Poverty Relief. **Annals of Tourism Research** Vol.35.1. pp1107-126
- 12) Brau, R; A. Lanza; and F. Pigliaru. (2007). How Fast Are Small Tourism Countries Growing? The 1980-2003 Evidence. **FEEM Working Paper**, No. 1.2007. Trieste, Italy: Global Network of Environmental Economists.
- 13) Croes, R And VanegasSr, Ma (2008). Cointegration and Causality between

Tourism and Poverty Reduction. **Journal of Travel Research**, Vol.47, 94-103.

14) Gartner, C.M (2008). **Tourism, Development, And Poverty Reduction: A Case Study Nkhata Bay**, Malawi. Master Dissertation, Waterloo University, Canada.

15) Holland, J. (2002). Tourism- Measuring Impact on The Poor. Independent development Consultant. **Available on [www.enterprise- impact.org.uk](http://www.enterprise-impact.org.uk)**.

16) Luvanga, N., Shitundu, J. (2003).The Role of Tourism in Poverty Alleviation in Tanzania. **Research Report** No. 03.4

17) Mitchell, J and Ashley, C (2010). **Tourism and Poverty Reduction: Pathways to Prosperity**, First Published by Earthscan in the Uk and Us.

18) Page, S. (1999). Tourism and Development: The Evidence from Mauritius, South Africa and imbabwe. **Internal ODI working paper**. London: Overseas Development Institute.

19) Roe, D; Ashley, C; Page, SH and Meyer, D. (2004). Tourism and the poor: Analyzing and interpreting tourim statistics from a poverty perspective. partnership London.1-29.

20) Roy, H. (2002). **The Role of Tourism to Poverty Alleviation**. Electronic copy availableat: <http://ssrn.com/abstract=1599971>.

21) Sharpely, R and David, T. (2008). **Tourism and Development**, London, Routledge.

22) Steiner, C. (2006). Tourism Poverty Reduction and the Political Economy: Egyptian Perspectives on Tourism's Economic Benefits in a Semi Rentier State. **Tourism Hospitality Planning and Development**, 3 (3): 161–77.

23) Sugiyarto, G.; A. Blake and M. T. Sinclair. (2002). **Economic Impact of Tourism and Globalization in Indonesia**. Nottingham, UK: Christel Del Laan Tourism and Travel Research Institute, Nottingham University Business School.

24) Tohamy, S and A. Since. (2000). The Economic Impact of Tourism in Egypt. Egyptian Center for Economic Studies. **Working Paper**. No. 40.3, June. Cairo: Egyptian Center for Economic Studies.

25) Vanhove, N. (2005). **Economics of Tourism Destinations**. Butterworth-Heinemann.

26) Wearing, S. (2008). Pro- poor tourism: Who Benefits? Perspectives on Tourism and Poverty Reduction. Publication in Reviewsm. **Annals Of Tourism Research**. 35.33-51.

27) World Bank. (2001). **World Development Report 2000/2001: Attacking Poverty**. New York: Oxford University Press.

پیوست

```
. tsset firm year
      panel variable: firm (strongly balanced)
      time variable: year, 1997 to 2009
      delta: 1 unit

. xi, prefix(T) i.firm
i.firm      Tfirm_1-6      (naturally coded; Tfirm_1 omitted)

. gen Tfirm_1=1 if firm==1
(65 missing values generated)

. replace Tfirm_1=0 if firm!=1
(65 real changes made)

. foreach var of varlist G E T{
  2. foreach num of numlist 1(1)6{
  3. gen `var'_{num}`var'*Tfirm_{num}'
  4. }
  5. }

. quietly xtreg H T_* G_* E_*, re

. test (T_1 = T_2 = T_3 = T_4 = T_5 = T_6) (G_1 = G_2 = G_3 = G_4 = G_5 = G_6) (E_1 = E_2 = E_3
> = E_4 = E_5 = E_6)

( 1) T_1 - T_2 = 0
( 2) T_1 - T_3 = 0
( 3) T_1 - T_4 = 0
( 4) T_1 - T_5 = 0
( 5) T_1 - T_6 = 0
( 6) G_1 - G_2 = 0
( 7) G_1 - G_3 = 0
( 8) G_1 - G_4 = 0
( 9) G_1 - G_5 = 0
(10) G_1 - G_6 = 0
(11) E_1 - E_2 = 0
(12) E_1 - E_3 = 0
(13) E_1 - E_4 = 0
(14) E_1 - E_5 = 0
(15) E_1 - E_6 = 0

      chi2( 15) = 555.68
      Prob > chi2 = 0.0000
```



. hausman fixed

	Coefficients		(b-B) Difference	sqrt(diag(V_b-v_B)) S.E.
	(b) fixed	(B) .		
tou	-.0008847	-.0007798	-.0001049	.
gdp	-.0009734	.0005963	-.0015698	.0002694
hea	.0021829	-.0210859	.0232688	.0035476

b = consistent under Ho and Ha; obtained from xtreg  
 B = inconsistent under Ha, efficient under Ho; obtained from xtreg

Test: Ho: difference in coefficients not systematic

$$\begin{aligned} \text{chi2}(3) &= (b-B)'[(V_b-v_B)^{-1}](b-B) \\ &= 40.19 \\ \text{Prob}>\text{chi2} &= 0.0000 \\ & (V_b-v_B \text{ is not positive definite}) \end{aligned}$$

Redundant Fixed Effects Tests  
 Equation: EQ01  
 Test cross-section fixed effects

Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Cross-section F	57.296814	(5,62)	0.0000
Cross-section Chi-square	122.578527	5	0.0000

Redundant Fixed Effects Tests  
 Equation: EQ01  
 Test period fixed effects

Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Period F	3.569926	(12,55)	0.0006
Period Chi-square	40.895374	12	0.0001

Redundant Fixed Effects Tests  
Equation: EQ01  
Test cross-section and period fixed effects

Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Cross-section F	29.697241	(5,50)	0.0000
Cross-section Chi-square	97.887459	5	0.0000
Period F	1.068224	(12,50)	0.4059
Period Chi-square	16.204305	12	0.1821
Cross-Section/Period F	17.828570	(17,50)	0.0000
Cross-Section/Period Chi-square	138.782833	17	0.0000

Dependent Variable: HPI  
Method: Panel Least Squares  
Date: 04/19/14 Time: 10:58  
Sample: 1997 2009  
Periods included: 13  
Cross-sections included: 6  
Total panel (unbalanced) observations: 71

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	13.26273	1.687005	7.861699	0.0000
TOU	0.001650	0.000289	5.713371	0.0000
GDP	0.001631	0.000185	8.794726	0.0000
HEA	-0.030612	0.003864	-7.921627	0.0000

Effects Specification

Period fixed (dummy variables)

R-squared	0.689912	Mean dependent var	17.36620
Adjusted R-squared	0.605342	S.D. dependent var	8.336562
S.E. of regression	5.237179	Akaike info criterion	6.344800
Sum squared resid	1508.542	Schwarz criterion	6.854700
Log likelihood	-209.2404	Hannan-Quinn criter.	6.547571
F-statistic	8.157921	Durbin-Watson stat	0.436797
Prob(F-statistic)	0.000000		